

انسان وستاناسے ہو



مترجم | اصغر ایزدی جیران
(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

نویسنده | روبرت لیتون



پنجاه و پنج

۱۳۹۶

سرشناسه	: لایتون، رابرت، ۱۹۳۴ - Layton, Robert
عنوان و نام پدیدآور	: انسان‌شناسی هنر، روبرت لیتون؛ مترجم: اصغر ایزدی-جیران
مشخصات نشر	: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ص: مصور، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۱۹۹-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
یادداشت	: عنوان اصلی: The anthropology of art, 2nd ed, 1991
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: هنر و اجتماع.
موضوع	: هنر و انسان‌شناسی.
شناسه افزوده	: ایزدی جیران، اصغر، ۱۳۴۲ : مترجم.
شناسه افزوده	: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ الف/ن۷۲
رده‌بندی دیوین	: ۷۰۹/۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۴۳۱۷۶



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

انسان‌شناسی هنر

روبرت لیتون

مترجم: اصغر ایزدی جیران

ویراستار: آفاق عابدین بروجردی

صفحه‌آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: رضا محبوبی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرایندگویا

چاپ: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه

ISBN: 978-964-232-199-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۱۹۹-۵

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر - شماره ۲۴ -

مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۶۶۴۹۸۶۹۲-۴ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۷۷ پست الکترونیک: Info@matnpublishers.ir

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان ولی‌عصر - ترسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی

فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۱	قدردانی مؤلف
۱۳	۱. هنر فرهنگ‌های دیگر
۵۱	۲. هنر و زندگی اجتماعی
۹۵	۳. هنر و ارتباط دیداری
۱۴۳	۴. سبک
۱۷۹	۵. خلاقیت هنرمند
۲۲۰	منابع
۲۲۷	فهرست نام‌ها
۲۳۱	فهرست اصطلاحات
۲۳۷	نمایه

مقدمه مترجم

آشنایی من با آثار استادان و پژوهشگران انسان‌شناسی هنر به سال ۱۳۸۷ برمی‌گردد، زمانی که دوره دکتری را در دانشگاه تهران آغاز کردم. کتاب‌های بسیاری در حوزه انسان‌شناسی هنر تألیف شده‌اند؛ اکثر این آثار به پژوهش‌های مردم‌نگارانه انسان‌شناسان مختلف از جوامع غیرغربی اختصاص دارند. بنابراین، تعداد بسیار کمی از این آثار به معرفی مباحث اصلی انسان‌شناسی هنر پرداخته‌اند. کتاب روبرت لیتون که ویراست نخست آن در ۱۹۸۱ و ویراست دومش در ۱۹۹۱ منتشر شد، از مهم‌ترین آثار است که می‌توان از آن به عنوان راهنمای خوبی برای آشنایی با این حوزه استفاده کرد. ترجمه این کتاب اواخر ۱۳۸۹ به پایان رسید، اما فرایند انتشار آن طولانی گشت. لیتون در این کتاب اساساً خواسته است برخی از مسائل اصلی انسان‌شناسی هنر از جمله ارتباط، سبک، زمینه اجتماعی، و خلاقیت را از خلال مردم‌نگاری‌های هنر انسان‌شناسان متعدد توضیح دهد. به همین دلیل، این کتاب مردم‌نگاری‌های دو دهه اخیر را در بر نمی‌گیرد. دهه‌هایی که در آنها آثاری برانگیزاننده، خلاقانه و جدید توسط نسل مهمی از انسان‌شناسان هنر منتشر شده است. اما این امر نقصی بنیادین برای کتاب حاضر محسوب نمی‌شود، زیرا هدف اصلی آن روشن کردن دیدگاه زیبایی‌شناختی و هنری جوامع غیرغربی است.

تجربه هنری

در این مقدمه قصد ندارم فصل‌های کتاب را به شیوه معمول شرح دهم، لذا خوانندگان را به خواندن خود فصل‌ها ارجاع می‌دهم، بلکه بیش‌تر می‌خواهم تأملات اخیر خود را درخصوص نقش انسان‌شناسی هنر در افزایش درک ما از قلمرو زیبایی‌شناسی و هنر بیان کنم. تأکید من بر تجربه است. از نظر من، انسان‌شناسی دانش بررسی تجربه فرهنگی است، نه فرهنگ. فرهنگ وقتی وجود دارد که در عمل رخ دهد؛ لذا، تا وقتی که بدان عمل نمی‌شود، در واقع فرهنگی

وجود ندارد. در مورد هنر نیز چنین وضعیتی صادق است. انسان‌شناسی هنر بررسی تجربه‌های هنری جوامع مختلف است. یعنی انسان‌شناس بنا بر اصول روش‌شناختی مردم‌نگاری، خود را در لحظه شدن هنر و در لحظه تجربه هنر توسط افراد جامعه قرار می‌دهد. بدین ترتیب، انسان‌شناسی هنر نشان داده است که تجربه‌های هنری تا چه حد در جوامع مختلف متفاوت‌اند و نشان دادن این تفاوت‌ها کاری است که اساساً وظیفه انسان‌شناس تعریف می‌گردد. به همین دلیل است که انسان‌شناسی هنر، با جدا شدن از تعریف‌ها و مقوله‌های غربی از زیبایی‌شناسی و هنر، می‌کوشد به واسطه تجربه کار میدانی انسان‌شناس به تصورات، اندیشه‌ها، ادراکات و روابط هنری در بستر زنده یک گروه اجتماعی برسد. بازمی‌گردم به تجربه هنری. تجربه هنری را چگونه می‌توان تعریف کرد. ما انسان‌شناسان نمی‌توانیم چیزی را به سهولت تعریف کنیم، مگر این‌که پژوهش‌های بین‌فرهنگی مکفی درخصوص موضوع مورد بحث داشته باشیم تا بتوانیم موضوع را مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی کنیم. در مورد هنر نیز ویلیام فاگ (۱۹۷۳: ۱۶۸) بر همین عقیده است: «انسان‌شناسان نیازی به تعریف هنر نخواهند داشت». جرمی کوت (۱۹۹۲: ۲۴۶) به شیوه‌ای متقاعدکننده به جای واژه هنر از بعد زیبایی‌شناختی اشیاء و فعالیت‌های انسانی سخن می‌گوید. هوارد مورفی (۱۹۹۴: ۶۵۵) نیز تعریفی اکتشافی از هنر ارائه داده که برای انسان‌شناس مفید است: «اشیاء هنری اشیائی هستند دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و/ یا معناشناختی که برای اهداف نمایاندن و بازنمایی به کار می‌روند». آلفرد جل (۱۹۹۸) در مقابل این تعریف، موضع تندی گرفته و به بعد عاملیت در هنر تأکید دارد و بر آن است که اشیاء را همچون اشخاص در نظر گیریم. اخیراً مورفی (۲۰۰۹)، در نقد جل، هنر را شیوه‌ای از عمل در جهان دانسته و این رویکرد به آنچه قصد دارم بیان کنم نزدیک است. اگر محور توجه را از هنر به تجربه هنری تغییر دهیم، ممکن است برخی از دشواری‌های تعریفی و مفهومی حل شود؛ و البته از طرف دیگر، جا برای مسائل و چالش‌هایی گشوده شود. استفاده از ایده تجربه هنری ما را به درک وسیع‌تر و واقع‌گرایانه‌تری از امر هنری سوق می‌دهد. تجربه هنری تأکید یکسانی بر شیء، افراد، رخداد و زمینه کلی هنری می‌نهد و باعث می‌شود که انسان‌شناس در امر تحلیل، دائماً بین این عناصر درگیر باشد. شاید بتوانم ریشه تأکیدم بر تجربه در امر هنری را در انسان‌شناسی حسی‌ها یا انسان‌شناسی حسی جستجو کنم. پژوهش‌های این حوزه نسبتاً جدید (از دهه ۱۹۹۰) در موضوع هنر و زیبایی‌شناسی، درک بهتری از موضوع به دست می‌دهد. دیوید هاوز (۲۰۱۱) به عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان انسان‌شناسی حسی، تلاش کرده است زیبایی‌شناسی را به مفهوم بوم‌گارتنی آن، یعنی ادراک حسی، برگرداند. لذا بنیاد هنر و زیبایی‌شناسی ادراک حسی است. ادراک حسی در تمامی زمان‌ها و مکان‌های حیات فرد رخ می‌دهد. ادراک حسی از همه اشیاء، افراد، رخدادها و فرایندها صورت می‌گیرد. همین امر دشواری جدا کردن تجربه هنری را از تجربه‌های دیگر نشان می‌دهد. البته اساساً جدا کردن هنر، و به قول خودم تجربه هنری، از قلمروهای غیرهنری متکی بر عادت غربی به جدا کردن قلمروهای حیات انسانی بوده است. اما واقعیت علمی با واقعیت

زندگی یکی نیست. در واقعیت زندگی، ما نه با جدایی کامل قلمروها بلکه با ارتباط متقابل آنها روبه‌رو هستیم. لذا می‌توانیم از تجربه هنری‌ای یاد کنیم که به طور مستمر به درون قلمروها و تجربه‌های دیگر می‌لغزد و می‌غلطد. تجربه هنری رویکردی نرم و لطیف به امر هنری و عمل هنری دارد. این رویکرد می‌خواهد از دوره استیلای اندیشه‌های ساختاری، مقوله‌ای و تعیین‌بخشی عبور کند؛ می‌خواهد از فرم‌های محض در مفهوم‌بندی امر هنری و غیرهنری اجتناب ورزد. رویکرد تجربه هنری معتقد است که زندگی واقعی مشکل از همپوشانی‌ها، همزیستی‌ها، تعامل‌ها و تأثیرات متقابل قلمروهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و حسی است. تجربه هنری همواره به طور لغزان و سیال در لایه‌های مختلف حرکت می‌کند. بدین ترتیب، حاصل یک پژوهش مردم‌نگارانه از هنر با چنین رویکردی نظریه‌ای است در باب تجربه هنری جامعه مورد مطالعه که ویژگی پویایی دارد. گرچه باید اذعان کنم که خود نظریه، توری تنگ، پاره و ماهیتاً متضاد برای صید پویایی تجربه هنری است و شاید بهتر باشد از شیوه‌های نرم‌تری در مقایسه با شیوه‌های سخت و زخم‌ت نظریه برای نشان دادن امر واقع شده و در حال وقوع استفاده کنیم.

اصغر ایزدی جیران

دی ۱۳۹۲

دانشگاه تهران

منابع

- Coote, Jeremy (1992), "Marvels of Everyday Vision: The Anthropology of Aesthetic and Cattle-keeping Nilotes", in *Anthropology, Art, and Aesthetics*, edited by J. Coote & A. Shelton, Oxford: Clarendon Press, pp: 245-273.
- Fagg, William (1973), "In Search of Meaning in African Art", in *Primitive Art and Society*, edited by Anthony Forge, London: Oxford University Press, pp: 151-168.
- Gell, Alfred (1998), *Art and Agency: An Anthropological Theory*, Oxford: Clarendon Press.
- Howes, David (2011), "Hearing Scents, Tasting Sights: Toward a Cross-Cultural Multi-Modal Theory of Aesthetics", in *Art and Senses*, edited by F. Bacci & D. Mellon, pp. 161-182, Oxford: Oxford University Press.
- Morphy, Howard (1994), "The Anthropology of Art", in *Companion Encyclopedia of Anthropology*, edited by Tim Ingold, London & New York, Routledge, pp. 648-685.
- _____ (2009), "Art as a Mode of Action: Some Problems with Gell's *Art and Agency*", *Journal of Material Culture*, 14 (1): 5-27.